



محقق داماد و متأثر از فضای مجازی

هنوز هم ادامه دارد. منظور از جهل، نادانی و نفهمیدن مفهوم خدا و سوءبرداشت از مفاهیم قدسی است. اینها ناشی از کج‌اندیشی دین است. ما هم قدسی همه همین‌طور است که اگر درست فهمیده نشود، گمراه‌کننده می‌شود. چه باید کرد؟ باید وقت خودمان را برای پرورش اخلاق قبل از دیداری گذاشت. مع الاسف در اظهارات این محقق سرشناس نیز نشانه‌هایی از تحت تأثیر قرار گرفتن از فضای مجازی دیده می‌شود. ماجرا از این قرار است که یک نماینده مجلس در یکی از مصاحبه‌های خود به طرحی اشاره می‌کند که ذیل آن اظهارات شخصیت‌های معروف در صورت خلاف بودن و بار روانی منفی برای جامعه مورد پیگرد قرار گیرد ولی



آیت‌الله محقق داماد نیز از روحانیون متفکری شناخته می‌شود که لایه‌های اظهاراتش در ماه‌های اخیر به مسائل روز اشاراتی داشته است. او در اظهارنظری می‌گوید: «ما نتوانستیم اخلاق اسلامی را ارتقا ببخشیم و نسل امروز را مهربان، رحیم و بدون خشونت تربیت کنیم. سیاه‌ترین و دشوارترین خشونت، خشونت‌های ناشی از انگیزه‌های قدسی و دینی است؛ یعنی، به نام خدا، آدمکشی کردن و برده‌سازی کردن و سربردن و به نام خدا اسیر و ویران کردن.»

او می‌افزاید: «تمام جنگ‌های تاریخ ناشی از خشونت بوده است. هیچ خشونتی هم به تلخی خشونت مقدس نیست. ما نمونه‌های آن را در قرون وسطی دیده‌ایم که به نام خدا و دین چه کردند و متأسفانه

حسین کجویان و تحلیل جنجالی

حسین کجویان استاد دانشگاه و شخصیت نزدیک به جریان انقلابی نیز در برنامه تلویزیونی شبکه افق در برنامه زنده تلویزیونی جهان‌آرا با اظهاراتی دقیقاً برعکس موضع‌گیری‌های فوق می‌گوید: «شعران، زندگی، آزادی یعنی: زن، فحشا، هرزگی، غرب ویران شده آنجا هم جهنم است. شعارها فاشیستی است. این‌ها زن، فحشا، هرزگی و مرد، بی‌ناموسی، شهوت‌رانی می‌خواهند. رهبران اینها یک مشت نخود مغز بیمار و بدبخت هستند.»



این اظهارات کجویان البته مورد انتقاد حتی شخصیت‌های هم‌جریان با وی نیز قرار گرفت و برخی رسانه‌ها علیه آن مطالبی نوشتند و شبکه افق در مقام پاسخگویی گفت: بعضی عبارت‌ها اگر بیان نمی‌شد، بهتر بود.

با این حال کجویان اظهاراتی نیز داشت که در سایه آن اظهارات جنجالی دیده نشد. او در نقد ادعای انقلاب توسط رهبران اغتشاشات اخیر می‌گوید: «جنبش‌های اجتماعی نیازمند رهبرانی هستند که با آن جنس اعتراضات نسبتی دارند: رهبران گاهی متفکر و مصلح هستند و هر چه جنبش عمیق‌تر باشد، متفکران در رأس هم بیشتر هستند. تمام انقلاب‌های قبل از انقلاب اسلامی، از خشونت و روش‌های مسلحانه استفاده می‌کردند.»

کجویان بیان می‌کند: «هیچ انقلابی جز انقلاب اسلامی را نمی‌بینیم که بلافاصله بعد از پیروزی، رفراوند برگزار کند و همین‌طور چند انتخابات دیگر که آزادترین انتخابات بودند، چرا که گروه‌های مختلف حتی مجاهدین خلق هم در آن نماینده داشتند هر چند نتوانستند کسی را به مجلس و دیگر نهادها بفرستند.»

این استاد دانشگاه در پاسخ به آن دسته از افراد که می‌گویند مردم ۴۰ سال قبل به یک قانون اساسی رأی دادند و حالا مورد قبول ما نیست، تصریح می‌کند که «پس در غرب باید تاکنون ده‌ها بار رفراوند قانون اساسی برگزار شده باشد!»

کجویان تأکید دارد که هیچ ملتی اختیار خود را دست بازیگر و ترانه‌سرا نمی‌دهد و بازیگری که در حوزه خودش تخصص ندارد چگونه تشخیص زندگی دیگران را می‌دهد؟

عماد افروغ

عماد افروغ که به قول خودش هیچ منصبی در دولت ندارد، نگاه نقادانه‌ای به کشور دارد. او می‌گوید این اعتراضات هم‌اکنون روی غلتک جنبش نیست. چیز آشفته‌ای است که البته ریشه دارد. علاوه بر آن ریشه‌پردشدگی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی که شامل اکثریت می‌شود، این جریان، خشم شهری است. شورش‌پردشدگی است.

باین حال بیان می‌کند که این خشم قابل پیش‌بینی بود و اگر کتاب خشم شهری و شورش‌پردشدگان را خوانده باشید مطالعه موردی را در برخی از کشورها از جمله آمریکا، انگلیس فرانسه، سوئد یونان و ترکیه انجام داده است. هرچا پلیس وارد شده و یک قتل غیرمترقبه‌ای اتفاق افتاده مردم به خیابان ریخته‌اند.

افروغ می‌گوید: «در یونان ۲۰۰ بانک و ۱۵۰ ماشین پلیس و دیگر خودروها به آتش کشیده شد. من همیشه نگران



سروش و پرسش‌هایی بی‌پاسخ

یکی از این شخصیت‌ها، عبدالکریم سروش است که بواسطه سبقه سیاسی‌اش با جمهوری اسلامی ایران موضوعی عمدتاً سوگیرانه دارد و در این مدت با صحبت‌هایی سعی کرد نظام جمهوری اسلامی را به تعبیری نقد کند. به نظر می‌رسد سروش نیز تحت تأثیر فضای مجازی هشتم آذرماه ۱۴۰۱ در بیانیه‌ای صوتی خطاب به علما می‌گوید: «کشور ما در خاک و خون می‌غلند و مردم ما به خشم و التهابی آمده‌اند که در طول ۴۰ سال اخیر نظیر و ماندنی نداشته است.»

چونان که حجت‌الاسلام عبدالحسین خسروپناه در مقام پاسخ، سوالاتی از سروش می‌پرسد که هنوز بی‌پاسخ است: «... آیا واقعاً وفات مرحومه مهسا دغدغه شما و امثال شما خارج‌نشینان و قاتلان و اغتشاشگران و تخریب‌چیان اموال عمومی و خصوصی است؟ اگر در گفتار و نوشتار خود، صدق اخلاقی داری. که بی‌شک نداری



چرا برای قتل مرحومه میترا بیانیه ندادی؟ چرا برای ترور هزاران شهید به‌دست منافقان و کومله و سلطنت‌طلب‌ها نقدی نگذاشتی؟ چرا برای شهدای علم و دانش دانشگاه که سرمایه‌های این ملت بودند، نالیدی؟ چرا این همه قتل‌عام و مجروح‌سازی مردم مظلوم و بی‌گناه و تخریب اموال شخصی و عمومی آشوبگران را نادیده گرفتی؟ چرا این همه ظلم بر سیاهان و واشنگتن که در آنجا سکنی گزیده‌ای، دردی در دلت برپا نمی‌سازد؟ و حاضر به ارشاد گشت خشن پلیس امریکایی نیستی؟ چرا ستم بر کودکان و زنان مظلوم فلسطین و یمن را نمی‌بینی؟...»

صحبت‌های فوق سروش در حالی است که بعداً در ۲۶ آذرماه تلویحاً تأیید می‌کند که حاضران در خیابان‌ها کار را از اعتراض برای اصلاح فراتر برده و به اغتشاش کشانده‌اند. سروش خطاب به این افراد می‌گوید: «گوش به ویرانی طلبان و رسانه‌های سعودی و امریکایی ندهند و اعتراضات مسالمت‌آمیز را به خشونت و کشتار نکشند و همچنان به اصلاح امور دلگرم بمانند. این در حالی است که هدف بن‌سلمان و اسرائیل ایجاد جنگ داخلی در کشور از طریق تعمیق گسل‌ها است.»

ابراهیم فیاض و ایده شورش جنسی

ابراهیم فیاض نظرات متفاوتی دارد. او در مصاحبه‌ای این گزاره را مطرح می‌کند که «ما از نظر غریزه‌ای اوج گرفته‌ایم»

فیاض معتقد است که باید ساختار جامعه خودمان را از نظر زمانی، تاریخی و جغرافیایی تئوریزه کنیم. الان سیر جامعه معاصر ایران اصلاً تئوریزه نشده یا خیلی کم این اتفاق افتاده یا با نظریات غربی تئوریزه شده است.



او این سیربندی را این‌گونه تشریح می‌کند که «از سال ۶۸ تا ۸۸ در کشور شاهد حاکمیت امر اقتصادی بودیم، یعنی دنبال ماشین بهتر، خانه بهتر، محله بهتر و مدرسه بهتر و این قبیل موارد بودیم. از سال ۸۸ که آن جنبش و مسائل پیش آمد ما از امر سیاسی به امر جنسی در سال‌های بعد کشیده شدیم و از سال ۱۴۰۰ هم وارد امر ارتباطی شدیم. در امر اقتصادی غریزه گرسنگی پشت مسائل قرار داشت، بعد از سال ۸۸ غریزه جنسی و الان هم غریزه ارتباطی انسان است که حاکم شده است.»

او در تحلیلش پای نهادهای فرهنگی را به میان کشیده و می‌گوید: «ما چون این مسائل را به هیچ‌وجه تئوریزه نکردیم و آنجایی که باید در این زمینه سیاستگذاری انجام می‌گرفت توسط به عنوان مثال دفتر تبلیغات، شورای انقلاب فرهنگی و دانشگاه‌های علوم انسانی، این امور تئوریزه نشد و ما دچار یک بن‌بست و شوک شدیم. الان هم شاهدیم که هرروز یکی می‌آید و می‌گوید باید گشت ارشاد را سختگیرانه‌تر کرد، یا می‌گوید کسی که بدون حجاب وارد بانک می‌شود باید جریمه کرد، یا گفته می‌شود تا کسی هابی که بد حجاب سوار می‌کنند باید جریمه شوند و این قبیل حرف‌ها. آنان چنین گفتند و از این طرف هم شروع شد: این حوادث فقط یک کبریت نیاز داشت که آن‌هم فوت خانم مهسا امینی بود. مثل مواد منفجره که حجمی به اندازه یک دنیا دارد، اما جاشنی‌اش یک بند انگشت هم نیست، ولی در عین حال باعث یک انفجار شدید می‌شود که شد.»

فیاض آسیب‌شناسی خود را این‌گونه ادامه می‌دهد که «نهادهایی مثل جهاد دانشگاهی یا دیگر مؤسسه‌های مشابه فقط در علوم تجربی، روان و مهندسی پیشرفت داشته است و در علوم انسانی مثل سایر نهادهای علمی جلو نرفته است. به همین دلیل ما دچار فقر سرمایه اجتماعی و علوم انسانی شده‌ایم، یعنی فقط پزشکی و مهندسی اوج گرفتند و علوم انسانی را به تمام معنا کنار گذاشتند یا بشدت ضعیف کردند. این امر منجر به آسایش جامعه - هرچند نه برای همه - شد اما آرامش را از میان برداشت. الان هم به همین دلیل که آسایش به دست آوردیم و آرامش را از دست دادیم شورش را تجربه کرده‌ایم.

این استاد دانشگاه بر این باور است که جنبش‌هایی که می‌بینید شکل گرفته و در کنار آن همچنان فقر هم جای خود را در وقایع روز دارد و این نکته‌ای بسیار مهم است؛ چراکه تقریباً کل طبقات اجتماعی هم در جنبش اخیر درگیر هستند.

فیاض می‌گوید محور اصلی این جنبش مورد اشاره خود دختران جوان و نوجوان هستند که مطالبه جنسی هم دارند و تا دیروز پسران مطالبه جنسی داشتند و امروز دختران این مطالبه را دارند، چون غریزه جنسی یک غریزه زنانه است تا مردانه.

فیاض ایده جنجالی خود را در قالب خانه‌های ۲۰متری تکرار کرده و می‌گوید: «امری که در این میان دولت و شهرداری‌ها باید پیگیری کنند ساخت مسکن است تا روابط جنسی مشروع شکل بگیرد. آن خانه‌های ۲۰ متری که من گفتم و بعضی‌ها سروصدا کردند، در همین راستاست. در شرایط فعلی خانه اقتصادی یک خانه ۲۰ متری است. یعنی یک قالی ۱۰-۱۲ متری در آنجا می‌شود تا دو انسان که می‌خواهند باهم ازدواج و زندگی کنند بتوانند آرامش داشته باشند و بتوانند کرایه‌اش را هم پرداخت کنند.»

فیاض به صورت کلی خانواده‌گرایی برای ایجاد آرامش جنسی در جوانان را نسخه خود برای حل مشکل جامعه می‌داند تا آنجا که معتقد است ورزشگاه‌ها هم مانند سینما و جاهای دیگر باید با حضور خانواده باشد.

تکثر در تحلیل وقایع چند ماه منتهی به سال ۱۴۰۱ را وی هر کنش مجازی و رسانه‌ای سطحی، نشان از این دارد که به واقع این اتفاقات ظرفیت تکرار و بررسی در محافل فکری را دارد و این تحلیل‌ها می‌تواند در صورت انسجام و پرهیز از پراکندگی، جریان گفت‌وگوی عالمانه را در جامعه تقویت کرده و لایه‌های تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز را به جنبه‌های مختلف وقایع این چنینی آگاه‌تر کند.



عبدالکریم سروش تحت تأثیر فضای مجازی هشتم آذرماه ۱۴۰۱ در بیانیه‌ای صوتی خطاب به علما می‌گوید: «کشور ما در خاک و خون می‌غلند و مردم ما به خشم و التهابی آمده‌اند که در طول ۴۰ سال اخیر نظیر و ماندنی نداشته است.»



فیاض تحلیلش پای نهادهای فرهنگی را به میان کشیده و می‌گوید: «ما چون این مسائل را به هیچ‌وجه تئوریزه نکردیم و آنجایی که باید در این زمینه سیاستگذاری انجام می‌گرفت توسط به عنوان مثال دفتر تبلیغات، شورای انقلاب فرهنگی و دانشگاه‌های علوم انسانی، این امور تئوریزه نشد و ما دچار یک بن‌بست و شوک شدیم»